



امام صادق(ع) تشیع را از تحریف نجات داد/نقش امام در پیوند مسلمانان

یکی از کارهایی که امام صادق(ع) بسیار به آن اهتمام داشت و برای آن تلاش کرد، بحث ایجاد وحدت میان شیعیان و دیگر فرق اسلامی بود که روایت های زیادی از آن حضرت در این مورد آمده است.

یکی از کارهایی که امام صادق(ع) بسیار به آن اهتمام داشت و برای آن تلاش کرد، بحث ایجاد وحدت میان شیعیان و دیگر فرق اسلامی بود که روایت های زیادی از آن حضرت در این مورد آمده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مذهب تشیع از آنجا که بسیاری از معارف خود را از امام جعفر صادق(ع) به یادگار دارد و آن حضرت نقش بسزایی در تبیین چارچوب های نظری و فقهی شیعه داشته است، به نام شیعه جعفری شهرت یافته است. شرایط سیاسی حاکم بر دوران امام صادق(ع) طوری رقم خورد که آن حضرت فرصت مناسبی برای تدریس علوم اسلامی داشت به طوری که بنا بر نقلی حدود ۴ هزار نفر پای درس آن حضرت در مقاطع مختلف رسیده اند.

لذا اولین و اساسی ترین فعالیت امام صادق(ع) در آن عصر مواجهه فکری با دشمنان شیعه و همچنین تربیت شاگردانی برای قوام دین بود که امام از آن شرایط سیاسی ویژه حداکثر بهره مندی را داشت.

کار وجود مبارک امام صادق همان کار پیامبر(ص) بود

آیت الله جوادی آملی در مورد کارویژه امام صادق(ع) در آن دوران می گوید: «کار وجود مبارک امام صادق(ع) همان کار پیامبر(ص) و وجود مبارک حضرت امیر(ع) بود که همان احیای معارف توحید الهی، نفی جبر و نفی تفویض بود اینها را وجود مبارک امیرالمؤمنین در همان طلیعه امر بررسی کرد و وجود مبارک امام صادق(ع) اینها را احیا کرد و شکوفا کرد.

آن حضرت شاگردان مخصوص خودش را هم با علوم فراوان تربیت می کرد. بخشی را در مسائل فقهی، بخشی را در مسائل تفسیری، بخشی را در مسائل کلامی که تشیع را نجات داد، ولایت را نجات داد، امامت را نجات داد دیگر آن تحریف ها، راهی که پیدا کرد همه آن مسائل را به جای اصل و اش برگرداند و تفرقه زدایی کرد.»

همایون همتی استاد فلسفه و عرفان نیز در مورد فعالیت های علمی امام صادق می گوید: «امام صادق(ع) در برخی احادیث با برهان نظم، برهان فطرت و ارجاع به فطرت و وجدانیات که انسان در اوج مشکلات و اضطراب به دنبال امداد غیبی می گردد، همچنین با برهان حدوث و حرکت (که همان برهان کازمولوژیک است) خداوند را اثبات می کند. علاوه بر این ها ۲ برهان ابتکاری نیز دارد که مختص اوست. یکی برهان فرجه است که ۲ واجب الوجود بالذات را در نظر می گیرد و ما به الامتیاز و ما به الاشتراک آن ها را بیان می کند. دیگری برهان هلیله است که ابن سینا در نمط ۴ اشارات از آن استفاده می کند. طبق این برهان کافی است شما به تکه سنگ یا یک حبه قند یا یک قطره را بپذیرید، وجود خدا با همان اثبات می شود.

وی می گوید: «امام صادق(ع) حدود ۱۳ مناظره دارد. در مناظرات به قدری ادب بحث را رعایت می کرد که خود افرادی که با ایشان مناظره می کردند از اخلاق ایشان تعریف می کردند. بسیاری از علوم اسلامی را اولین بار ایشان تدوین کرده و بیشترین احادیث در اختیار ما از ایشان است. ایشان همچنین شاگردان برجسته ای تربیت کرده است. مثل محمد بن مسلم، حسن بن محبوب، جمیل بن درّاج، زراره، هشام و ... ۴۰۰۰ و برخی نوشته اند ۶۰۰۰ شاگرد تربیت نمود که بسیاری از این ها شیعه نبوده اند. نزدیک به ۲۰۰ دانشجو که من لیست آن ها را دارم شاگرد غیر عرب ایشان بوده اند. یک فردی هندی در کتابش این اسامی را آورده است. زنان بسیاری جزو شاگردان ایشان بوده اند. در حالی که دختران در زمان جاهلیت زنده به گور می شدند.»

مبارزه امام صادق(ع) در راه مکتب

قوام مکتب تشیع با پایه و ریزی بنیادین و مستحکم صادق آل محمد(ع) و پدر بزرگوارشان شکل گرفت و شیعیان و پیروان ایشان مفتخر به شاگردی این مکتب و آن هم در محضر مفسران وحی الهی و امام صادق(ع) تنها بر تشکیل حوزه علمیه و بیان حکم فقهی بسنده نکردند بلکه ایشان با ملحدان از یک سو و با مشرکان و با امویان و

عباسیان از سوی دیگر به مبارزه برخاستند و ضمن معرفی نظام اسلامی با استقامت و پایداری این نظام را حفظ کردند.

آیت الله جوادی آملی در این مورد می گوید: «وجود مبارک امام صادق(ع) که رئیس مذهب ماست، مشابه همان کار و برنامه ای را که رسول گرامی (ص) در زمان خود انجام داد، بر عهده داشته است.

وجود مبارک رسول گرامی(ص) قیام کرد، هم مشکلات محلّی و ملّی را و هم مشکلات منطقه‌ای را و هم مشکلات جهانی را حل کرد. همان مشکلی که وجود مبارک پیامبر داشت و مشکل‌گشایی که به دست رسالت رسول اکرم انجام شد، همان مشکل در زمان امام صادق(ع) بود و همان مشکل‌گشایی به دست امام صادق(ع) حل شد.

مشکلات اعتقادی مردم حجاز، مجاوران حجاز و جهان معاصر در ابتدای بعثت پیامبر اسلام، الحاد، شرک و مشوئیّت اعتقادی و مانند آن بود؛ در عصر امام صادق(ع) هم همین مشکلات محلّی و ملّی از یک سو، منطقه‌ای از سوی دیگر و بین‌المللی از سوی سوم وجود داشت.

این نبود که امام صادق (ع) تنها حوزه علمیه داشته باشد و رئیس مذهب باشد و حکم فقهی بیان کند؛ او با ملحدان از یک سو، با مشرکان از سوی دیگر، با کسانی که مشوئیّت اعتقادی و اخلاقی داشتند از سوی دیگر، با امویان و عباسیان از سوی دیگر به مبارزه برخاست و ضمن معرفی نظام اسلامی، با استقامت و پایداری این نظام را حفظ کرد.

اگر امام صادق(ع) نبود فاصله شیعه و سنی بسیار بیشتر بود

یکی دیگر از کارهایی که امام صادق(ع) بسیار به آن اهتمام داشت و برای آن تلاش کرد، بحث ایجاد وحدت میان شیعیان و دیگر فرق اسلامی بود. روایت های زیادی از آن حضرت در این مورد آمده است مانند این روایت که حضرت فرمودند شما شیعیان برای کسی که به او روی آورده‌اید زینت باشید و باعث زشتی و آبروریزی ما نشوید. در نماز جماعت آنها شرکت کنید و از مریض‌های آنان عیادت نمایید و در تشییع جنازه‌هاشان حاضر شوید.

حجت الاسلام سید سجاد علم الهدی در این باره می گوید: «اگر امام صادق(ع) نبود فاصله شیعه و سنی بسیار بیشتر بود. ایشان اشکالات اهل سنت را اصلاح کرد و آن ها را بسیار نزدیک به هم کرد. قبل از امام صادق (ع) فقه اسلامی نه فقط تشیع اصلاً سامانی نداشته است. پیامبر اکرم (ص) پایه گذار دین و امام صادق(ع) پایه گذار فقه اسلامی هستند. هیچ جامعه ای باقی نخواهد ماند مگر این که پایه های علمی اش استوار شود. یک جامعه با شعار و هیاهو و احساسات پایدار نمی ماند.»

امام صادق(ع) چگونه با مخالفین خود رفتار می نمود

بر همین اساس حجت الاسلام محمدرضا جباری در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه امام صادق(ع) چگونه با مخالفین خود رفتار می نمود، گفت: یک اصل کلی که امام صادق(ع) در برخورد با مخالفان فکری و اعتقادی داشتند، بحث تبیین، روشن گری و ارتباط بود تا با این راه بتوانند حداکثر هدایت و ارشاد را در شخص مقابل داشته باشند. امام صادق(ع) این شیوه را هم در برابر غیر شیعه و هم در برابر غیر مسلمانان و زنادیق داشتند.

وی ادامه داد: به عنوان مثال مالک بن انس از شیعیان امام صادق(ع) نبود، اما او که در مدینه ساکن بود، با امام صادق(ع) ارتباط داشت و به خانه ایشان می رفت. خود این رفت و آمد مالک به خانه امام صادق(ع) نشان می دهد که امام به او روی خوش نشان می داد. مالک بن انس می گوید که من به صورت مستمر به محضر امام صادق(ع) می رسیدم و ایشان به من احترام می‌گذاشت و امام صادق(ع) به من می گفت که من، تو را دوست دارم.

مدیر گروه تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گفت: امام صادق(ع) از این برخورد اسلامی و قرآنی برای جذب اخلاقی مخالف استفاده می کند. مالک بن انس گرچه جزو سران مخالفین بود، اما از لحاظ اخلاقی تحت تاثیر امام صادق(ع) قرار گرفت و مدح ایشان را می کرد. مالک می گوید که من هرگاه من بر امام صادق(ع) وارد می شدم، ایشان با من گرم می گرفت و مرا در جای خوبی می نشاند. مالک همچنین در سفر حجی با امام صادق(ع) بود و حالات عرفانی ایشان را پس از این سفر برای دیگران توضیح داد.

رفتار نرم امام صادق(ع) با ابوحنیفه

وی افزود: شبیه این رفتارها را در مناظرات امام صادق(ع) با ابوحنیفه هم شاهد هستیم که امام تا آن جایی که ممکن بود، رفتار نرمی را با ابوحنیفه داشتند. همینطور در رفتار امام صادق(ع) با زنادقه و مخالفان غیرمسلمان هم شاهد چنین برخوردهایی هستیم. البته باید توجه داشته باشیم که رفتار امام صادق(ع) همیشه اینگونه نبود. در مواردی هم امام در عین داشتن رفتار نرم با طرف مقابل، حجت را بر او تمام کرد و پس از آن لازم بود که امام صادق(ع) یک برخورد تند و تشر به طرف مقابل بزند تا او بیدار شود.

جباری با اشاره به مناظرات امام صادق(ع) گفت: امام صادق(ع) با ابوحنیفه مناظره کرد، ایشان همچنین با فقهای زمان خود و حتی زندیق ها هم مناظراتی داشته اند. امام صادق(ع) علاوه بر اینکه خودشان مناظره می کردند، فن مناظره را به اصحاب خود همچون مفضل و هشام بن حکم تعلیم دادند، هشام بن حکم یکی از مناظره کننده های قوی در عصر خودش بود. البته امام صادق(ع) برخی از اصحاب خودشان که توانایی مناظره نداشتند را از این کار نهی می کردند.

وی ادامه داد: یک اصل در برخورد امام صادق(ع) با مخالفان، تبیین حقیقت مذهب از سوی ایشان بود. امام صادق(ع) در مناظرات از شیوه بیان نرم و استدلالی استفاده می کردند و این مناظرات تاثیرگذار بود و حتی مواردی هم به تشیع مخالفان منجر شد، به عنوان مثال می توان در این خصوص به مناظره امام صادق(ع) با مرد شامی اشاره کرد. شام در آن زمان تحت تاثیر بنی امیه بود، یکی از مردان شهر شام با سفر به مدینه از امام صادق(ع) خواست که با او مناظره کند. امام در نزد اصحاب برجسته خود همچون هشام بن حکم نشست و به آن مرد شامی گفت که بیا با اصحاب من مناظره کن، اگر بر آنها غالب شدی، بر من هم غلبه خواهی کرد. سپس امام صادق(ع) به او گفت که در چه زمینه ای می خواهی مناظره کنی، امام اصحاب خود را در زمینه های مختلف از جمله فقه، تخصص بار آورده بود. در نهایت آن مرد شامی در مناظره با اصحاب امام صادق(ع) مغلوب شد و پس به امام گفت که من را از اصحاب خود قرار بده و امام صادق(ع) هم به اصحاب خودشان گفتند که این مرد شامی را تعلیم بدهید.

درس هایی از سیره امام صادق(ع)

این کارشناس دینی در مورد درس های سیره امام صادق(ع) گفت: اصل اول در برخورد با مخالفان که یک اصل قرآنی است و از سیره معصومان گرفته شده، ارتباط بیشتر است. ما باید بین مخالفان فکری و معاندین تفاوت قائل شویم، در برخورد با دشمنان و معاندین مجال بحث، مناظره و گفت گو نیست و باید به صورت عملی با او برخورد کنیم، به عنوان مثال داعش به خون شیعه تشنه است و در برخورد با داعش مناظره مطرح نیست. اما در برخورد با مخالف فکری و اعتقادی باید با او نرم سخن گفت. امام علی(ع) تا زمانی که خوارج دست به سلاح نبردند، با آنها گفتگو می کرد. امام صادق(ع) هم با مخالفان فکری و اعتقادی خود به نرمی سخن می گفتند و با آنها مناظره می کردند و استدلال های امام در وجود این مخالفان تاثیر می گذاشت. بخشی از مناظرات امام صادق(ع) را مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج جمع آوری کرده است.

اما در نهایت با همه تلاش هایی که امام صادق در راه دین انجام داد، دشمنان دیدند این نور را نمی‍توانند خاموش کنند، آیت الله جوادی آملی در بیان مصائبی از امام صادق(ع) می گوید: مرحوم کلینی نقل کرد که دستور دادند شبانه امام صادق(ع) را از منزل آوردند و همین کلینی نقل می‍کند آن مأموران عباسی که این خانه را مشتعل کردند و سوزاندند خواستند ببینند چطور امام صادق(ع) از داخل این آتش‍ها عبور می‍کند؛ مرحوم کلینی نقل کرد که وجود مبارک امام صادق(ع) از امواج این آتش‍ها عبور می‍کرد فرمود: «أنا ابن ابراهيم خليل» من فرزند ابراهيم خليل يعني همان «يا تَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا» اینجا هم هست.